

# تدوین مدل ساختاری سازگاری پس از طلاق بر اساس عوامل اجتماعی و عوامل روانشناختی در زنان مطلقه شهر شیراز

لیلا مهندس، حجت اله جاویدی\*، مجید برزگر، نادره سهرابی

گروه روانشناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

## چکیده

**زمینه و هدف:** طلاق برای اغلب زنان گسستگی عاطفی و فشارهای روانی به همراه دارد، که نیازمند بیشترین تغییر برای سازگاری مجدد در این افرادی باشد. لذا هدف از این پژوهش تعیین و تدوین مدل ساختاری سازگاری پس از طلاق بر اساس عوامل اجتماعی و روانشناختی در زنان مطلقه شهر شیراز بود.

**روش بررسی:** یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد که در سال ۱۳۹۸ در شهر شیراز انجام شد. جامعه آماری مطالعه شامل کلیه زنان مطلقه بود که حداقل دو سال از طلاق آن‌ها گذشته و ازدواج مجددی نداشتند. ۴۱۶ نمونه که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس، از میان پانزده کلینیک روان‌شناسی تحت نظر بهزیستی و دادگاه خانواده انتخاب شدند و از طریق پرسشنامه‌های سازگاری پس از طلاق فیشر، پرسشنامه حمایت اجتماعی ادراک شده چند بعدی، پرسشنامه سازگاری اجتماعی بل، پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان، پرسشنامه پنج عاملی شخصیتی نئو فرم کوتاه و پرسشنامه راهبردهای تنظیم شناختی هیجان مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و فیشر تجزیه و تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** نتایج نشان داد متغیرهای حمایت ادراک شده، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت از طریق متغیرهای تنظیم شناختی هیجان و سازگاری اجتماعی تأثیر معنی‌داری بر روی سازگاری پس از طلاق داشتند ( $p < 0/05$ ). تنظیم هیجان سازش نیافته بر سازگاری پس از طلاق، تأثیر منفی و معنی‌دار دارد ( $p < 0/05$ ). متغیر تنظیم هیجان سازش یافته نیز به صورت مستقیم و به طور غیرمستقیم هم از طریق سازگاری اجتماعی بر سازگاری پس از طلاق تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد ( $p < 0/05$ ) در نهایت متغیر سازگاری اجتماعی بر سازگاری پس از طلاق تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد ( $p < 0/05$ ). سازگاری اجتماعی قوی‌ترین پیش‌بین سازگاری پس از طلاق (۰/۶۳) و پس از آن ویژگی‌های شخصیت (۰/۵۹) بود. سبک دلبستگی ایمن از طریق تنظیم هیجان سازش یافته بر سازگاری پس از طلاق بیشترین تأثیر را داشت (۰/۲۶) بود. هم‌چنین ویژگی شخصیتی روان رنجوری از طریق تنظیم هیجان سازش یافته بر سازگاری پس از طلاق بیشترین تأثیر را داشت که (۰/۵۲-) بود. حمایت دوستان از طریق سازگاری اجتماعی بر سازگاری پس از طلاق بیشترین تأثیر را داشت (۰/۴۳). راهبرد برنامه‌ریزی از طریق سازگاری اجتماعی بر سازگاری پس از طلاق بیشترین تأثیر را داشت (۰/۳۴). متغیرهای ذکر شده در مجموع ۶۵ درصد از واریانس سازگاری پس از طلاق را تبیین می‌کنند.

**نتیجه‌گیری:** مدل ساختاری نشان داد برخی از عوامل اجتماعی و روانشناختی قادر به پیش‌بینی سازگاری پس از طلاق می‌باشند و نتایج این پژوهش می‌تواند برای کلینیک‌های مشاوره، روانشناسی و دیگر نهادهایی که مسئولیت سلامت جامعه را بر عهده دارند، مورد مطالعه و متمرکز واقع شود.

**واژه‌های کلیدی:** سازگاری زنان پس از طلاق، ویژگی‌های شخصیتی، سبک دلبستگی، حمایت ادراک شده، سازگاری اجتماعی، تنظیم شناختی هیجان، زنان شیراز

\*نویسنده مسئول: حجت اله جاویدی، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، گروه روانشناسی

Email: javid952@hotmail.com

## مقدمه

پدیده طلاق یکی از مسائل پر استرس در جهان امروز از جمله جامعه در حال گذر ایران است که فرد نیاز دارد خود را با آن شرایط سازگار کند. این پدیده‌ی چند معنایی و چند بعدی که متأثر از شخص، جنسیت، شرایط اجتماعی و فرهنگی فرد می‌باشد، تأثیرات بسیار عمیق و مهمی در سلامت جسمی، روحی و اجتماعی افراد ایجاد کند و در نهایت می‌تواند اثرات مستقیم و غیرمستقیم بسیار مهمی در جامعه داشته باشد (۱). در ایران از هر هزار ازدواج حدود دویست مورد، یعنی ۲۰ درصد به طلاق می‌انجامد (۲). امروزه طلاق به عنوان مهم‌ترین موضوع سلامت مطرح می‌شود چنان که توجه متخصصان و مسئولان زیادی را به خود جلب کرده است (۳). افراد متعلقه با مشکلات و مسایل روانی مختلفی روبرو می‌شوند (۴). پیامدهای منفی طلاق در زنان مطلقه متنوع‌تر از مردان است. بدون شک زنان مطلقه که با محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی گوناگونی مواجه‌اند، با مصائب بیشتری روبرو هستند که باعث وارد شدن فشار روانی به این افراد می‌شود (۵). برخی از زنان پس از طلاق درآمدشان را از دست می‌دهند (۶). بیشتر زنان پس از طلاق مجبور به پیدا کردن منزل و مکانی جدید برای سکونت هستند، هزینه‌ها آنها افزایش می‌یابد (۷) و مشکلات فراوانی را در ارتباط با فرزندان خود پیدا می‌کنند (۸) از دیگر مشکلات زنان می‌توان به آسیب روابط اجتماعی (۹)، اضطراب و افسردگی (۱۰)، کاهش سطح

انرژی، احساس غمگینی، ناامیدی، نگرانی در مورد آینده، انزوا و گوشه‌گیری، کاهش تحمل ریسک‌پذیری، کم انرژی بودن تن صدا، میل به گریه، تفکرات منفی، بدبینی، کاهش سازگاری، بی‌توجهی به آراستگی ظاهر، اختلالات خواب، کاهش بهزیستی اشاره نمود (۱۱).

واکنش زوج‌ها به طلاق یکسان نیست و زنان بیشتر آسیب می‌بینند و به دلیل شرایطی که برای آنان بعد از طلاق به وجود می‌آید، مشکلات فراوانی از جمله اضطراب و افسردگی را تجربه می‌کنند (۱۲). پژوهش‌ها نشان داد اثرات طلاق بر روی زنان نتایج پایدارتری دارد و زنان مطلقه در مقایسه با مردان مطلقه شرایط حادث اجتماعی را در زمان طلاق تجربه می‌کنند، بدین معنی که آنها با احساس طرد شدن، سردی و سرزنش بیشتر از سوی اطرافیان روبرو هستند. همچنین پیامدهای طلاق از نظر اقتصادی، اجتماعی و روانی عاطفی در بین زنان مطلقه نامطلوب‌تر از مردان است (۱۳). پیامدهای تصمیم بر اتمام رابطه زناشویی، پیش از وقوع تصمیم بر طلاق شروع شده و تأثیرات خود را تا پس از اتمام قطعی و قانونی طلاق خواهد گذاشت (۱۴). یکی از مسائل مهم برای زنان مطلقه، سازگاری آنان پس از طلاق است. سازگاری حاصل تلاش آگاهانه در انطباق و تعامل مناسب ویژگی‌های فردی و شخصیتی با موقعیت‌هایی است که فرد با آن روبرو می‌شود (۱۵). با وجود تفاوت‌های فردی، سازگاری پس از طلاق معمولاً فرآیند دشواری است که با تجربه هیجان منفی همراه

ارزشمند است (۱۹). در پژوهش جعفری ندوشین و همکاران نشان دادند که سطح سازگاری اجتماعی زنان مطلقه به طور معنی داری کمتر از زنان متأهل است (۲۰).<sup>۱</sup>

از دیگر متغیرهای مورد بررسی، ویژگی‌های شخصیتی می‌باشد که به مجموع ویژگی‌هایی که در وجود یک فرد، تقریباً به طور دایم وجود دارد و موجب تمایز وی از سایرین می‌شود، اطلاق می‌گردد. در مقایسه با سایر مدل‌های شخصیت، مدل پنج عاملی در برگیرنده اصلی ترین ابعاد شخصیت می‌باشد (۲۱). این پنج عامل روان‌رنجور خوبی<sup>(۳)</sup> (تمایل به تجربه اضطراب، تنش، خودخوری، خصومت و تکانشوری، کمروبی، افسردگی و عزت نفس پایین)، برون‌گرایی<sup>(۴)</sup> (تمایل برای مثبت بودن، قاطعیت، تحرک، مهربانی و اجتماعی بودن) تجربه‌گرایی<sup>(۵)</sup> (تمایل به کنجکاوی، هنرنمایی، خردورزی، انعطاف‌پذیری، روشنفکری و نوآوری)، توافق‌پذیری<sup>(۶)</sup> (تمایل برای گذشت، مهربانی، سخاوتمندی، اعتماد ورزی، همدلی، فرمانبرداری، فداکاری و وفاداری) و وجدان‌گرایی<sup>(۷)</sup> (تمایل به سازمان دهی، کارآمدی، قابلیت اعتماد، خویش‌تن داری، منطق‌گرایی و تعمق) چارچوبی را برای تبیین تفاوت‌های فردی از نظر شخصیت فراهم می‌آورد. پژوهش‌ها نشان داده‌اند افرادی که از صفات

می‌باشد (۱۶). سازگاری پس از طلاق فرآیندی است جدایی ناپذیر در تجاربی که فرد پس از طلاق با آن روبرو می‌شود، به گونه‌ای که بعد از مرگ همسر، طلاق نیازمند بیشترین تغییر برای سازگاری مجدد در افراد درگیر است (۱۷).

با این حال، پژوهش‌های مختلف عوامل و مؤلفه‌های گوناگون و گاه متفاوتی را در سازگاری پس از طلاق مؤثر می‌دانند که با در نظر گرفتن چالش‌های پیش روی زنان مطلقه در سازگاری با زندگی پس از طلاق، به بررسی عوامل اجتماعی (حمایت اجتماعی ادراک شده<sup>(۱)</sup>) و سازگاری اجتماعی) و عوامل روانشناختی (سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و تنظیم شناختی هیجان<sup>(۲)</sup>) پرداخته شد، تا از این رهگذر به شناسایی عوامل مؤثر و تبیین چگونگی تأثیرگذاری این عوامل بر سازگاری پس از طلاق دست یافت. یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که می‌تواند در سازگاری پس از طلاق نقش داشته باشد، حمایت اجتماعی ادراک شده می‌باشد. حمایت اجتماعی ادراک شده نوعی احساس ذهنی در مورد تعلق، پذیرش، مورد علاقه بودن و دریافت کمک در شرایط مورد نیاز است (۱۸). حمایت اجتماعی به عنوان یک ضربه‌گیر در مقابل استرس عمل می‌کند و به عنوان یک منبع حفاظتی در نظر گرفته می‌شود که مردم را قادر به مقابله با استرس، اضطراب و افسردگی می‌کند.

سازگاری اجتماعی به معنای توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران در زمینه اجتماعی خاص و به طریق خاص است که در عرف جامعه قابل قبول و

1- perceived Social Support  
2-Cognitive Emotion Regulation  
3-Neuroticism  
4-Extroversion  
5-Openness  
6-Agreeableness  
7-Conscientiousness

شخصیتی نیرومند نظیر ابراز وجود، اعتماد به نفس، خلاقیت، جسارت اجتماعی، آزادی خواهی، خودکفایی، خود نیرومندی، اجتماعی بودن و بلوغ اجتماعی بهره می‌برند، سازگاری بهتری با طلاق دارند (۲۲).

یکی از عوامل مؤثر بر سازگاری پس از طلاق، سبک دلبستگی افراد مطلقه می‌باشد. دلبستگی برقراری پیوند عاطفی با افرادی خاص می‌باشد که تعامل با آنها ضمن آرامش باعث احساس نشاط و شغف می‌شود. به طور کلی سه سبک دلبستگی ایمن<sup>(۱)</sup>، نایمن اجتنابی<sup>(۲)</sup> و نایمن دوسوگرا<sup>(۳)</sup> وجود دارد (۲۳). در تشریح ویژگی‌های سه سبک دلبستگی می‌توان گفت که افراد ایمن در اکثر موقعیت‌ها احساس راحتی و امنیت می‌کنند و تصویری مثبت، حمایت‌گر و پاسخ دهنده از دیگران دارند، افراد نایمن اجتنابی در برابر افراد ناآشنا منقلب نمی‌شوند و احتیاط نشان می‌دهند، در برقراری روابط عاطفی با دیگران مشکل دارند و سعی می‌کنند از برخورد با دیگران اجتناب نمایند و افراد نایمن دو سوگرا در موقعیت‌های مشکل به سختی به احساس آرامش و آسایش دست می‌یابند، آنها در تمایل به نزدیکی و دوری از دیگران در نوسان هستند، در اکتشاف محیط مشکل دارند و در برابر تنش‌ها آسیب‌پذیر می‌باشند. داده‌های پژوهشی تمایز آشکاری را بین زوج‌های ایمن و نایمن نشان داده‌اند و چنین بیان می‌کنند که زوجین نایمن، ضعیف‌ترین و پایین‌ترین سازگاری و زوج‌های ایمن بالاترین سازگاری را نشان می‌دهند (۲۴).

تنظیم شناختی هیجان به معنای توانایی فرد در درک و مدیریت عواطف و هیجان‌های خود و تعدیل تجربه و ابراز این هیجان‌ها است. این توانایی در همه جنبه‌های زندگی نقش داشته و فقدان آن پیامدهای مهمی به دنبال دارد. انواع راهبردهای تنظیم شناختی هیجان را در دو طبقه سازگارانه و ناسازگارانه قرار می‌دهند. طبق شواهد، تنظیم هیجانی ناسازگارانه با مشکلات میان فردی، دوسوگرایی و حساسیت شدید بین فردی، نیاز به توافق اجتماعی و فقدان جامعه‌پذیری، پرخاشگری و رفتارهای خشونت‌آمیز مرتبط است (۲۵). در پژوهشی که کاظمی‌رضایی و همکاران به بررسی نقش راهبردهای تنظیم شناختی هیجان و حمایت اجتماعی ادراک شده در پیش‌بینی سازگاری پرستاران پرداختند، نتایج نشان داد که حمایت خانوادگی و راهبردهای سازش یافته تنظیم هیجان قادرند سازگاری اجتماعی را پیش‌بینی کنند. راهبردهای سازش یافته تنظیم هیجان با ارزیابی شناختی هیجان‌ها، باعث کاهش احساسات منفی، افزایش احساسات مثبت و رفتار سازگارانه افراد شد، پرستاران حمایت خانوادگی سهم بیشتری در سازگاری آنها نشان داد (۲۶). بررسی‌ها نشان داده است که ارتباط بین اختلال تنظیم هیجان و استراتژی‌های شناختی ناسازگار به طور کلی قوی‌تر از استراتژی‌های سازگار است (۲۷)، لذا هدف از این پژوهش تعیین و تدوین مدل مدل ساختاری سازگاری

1-Secure  
2-Avoidance Insecure  
3-Ambivalent Insecure

پس از طلاق بر اساس عوامل اجتماعی و روانشناختی در زنان مطلقه شهر شیراز بود.

### روش بررسی

این یک مطالعه توصیفی از نوع همبستگی مبتنی بر روابط ساختاری با مدل سازی معادلات ساختاری می باشد که در سال ۱۳۹۸ در شهر شیراز انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان مطلقه شهر شیراز بود که ازدواج مجددی نداشتند، دامنه سنی آنان بین ۲۵ تا ۵۰ سال و حداقل دو سال از طلاق آنها گذشته بود. از این جهت پس از دو سال، افراد اغلب سوگ طلاق را پشت سر گذاشته و استرسها و تنشهای پس از طلاق را طی کرده اند و موقعیت کنونی خود را پذیرفته اند، هم چنین فرآیند طلاق آنها در یکی از ۱۵ کلینیک روانشناسی شهر شیراز انجام شده بود. لازم به ذکر است که از تمام کلینیکهای روانشناسی تحت نظر سازمان نظام روانشناسی و بهزیستی شیراز، فقط ۱۵ کلینیک زیر نظر مرکز تحکیم خانواده (دادگستری) تا سال ۱۳۹۸ بودند. نمونه آماری پژوهش حاضر صرفاً از این ۱۵ کلینیک تأمین شده و کلینیکهای دیگر به غیر از این ۱۵ کلینیک جز جامعه آماری حاضر نبودند، لذا روش نمونه گیری در دسترس بود. در معادلات ساختاری طبق نظر کلاین به ازای هر مسیر ۱۵ نفر (با توجه به احتمال ریزش) در نظر گرفته شد. در مجموع حجم کل نمونه برابر با ۴۵۰ نفر برآورد گردید. نمونه اولیه پژوهش شامل ۴۵۰ شرکت کننده بود که فرآیند طلاق

آنان در سالهای گذشته در یکی از ۱۵ کلینیک روانشناسی شیراز که تحت نظر بهزیستی و مرکز تحکیم خانواده می باشند، رخ داده بود. با هماهنگی مسئول کلینیک و دعوت از آنان و حضور در زمان مقرر پرسشنامه ها به آنها ارایه و پس از تکمیل پرسشنامه اگر سولاتی داشتند، به شکل خصوصی به آنان پاسخ داده می شد و پیشنهادهای مناسب ارایه می شد. در پایان از میان ۴۵۰ پرسشنامه توزیع شده، ۳۴ پرسشنامه مخدوش و ۴۱۶ پرسشنامه کامل شده، مورد تحلیل قرار گرفت.

جهت اجرای این پژوهش کسب معرفی نامه از دانشگاه آزاد اسلامی، سازمان بهزیستی شیراز و مرکز تحکیم خانواده شیراز به منظور رعایت اخلاق حرفه ای و جلوگیری از هر گونه سوگیری احتمالی اخذ شد. تمامی پرسشنامه ها بدون نام و نام خانوادگی تکمیل و جمع آوری شد و در همین راستا به آزمودنی ها اطمینان داده شده که تمامی نتایج حاصل از تحلیل پرسشنامه ها به صورت محرمانه باقی می ماند و از آنها خواسته شد در جهت پاسخ های صادقانه همکاری لازم را داشته باشند.

ملاکهای ورود به پژوهش شامل؛ رضایت آگاهانه آزمودنی ها جهت شرکت در پژوهش، زنان در محدوده سنی بین ۲۵ تا ۵۰ سال، سواد خواندن و نوشتن داشته باشند، حداقل دو سال از طلاق رسمی و قانونی او گذشته باشد و آزمودنی پس از طلاق، ازدواج موقت یا دائم را تجربه نکرده باشد. ملاکهای خروج از پژوهش نیز شامل؛ نیمه تمام گذاشتن

پرسشنامه‌ها، بازگشت به زندگی زناشویی حتی کوتاه مدت و پس از طلاق وارد رابطه عاطفی کوتاه مدت شده باشند.

به منظور جمع‌آوری داده‌های خام این پژوهش، ابتدا پرسشنامه‌های سازگاری پس از طلاق فیشر، حمایت اجتماعی ادراک شده، سازگاری اجتماعی، سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و تنظیم شناختی هیجان تهیه شد و پس از هماهنگی روز و ساعت با اغلب مسئولین کلینیک‌های مشاوره از ۱۵ کلینیک که مجوز پژوهش گرفته شده بود، طرح اجرا شد. آزمودنی‌ها اغلب در گروه‌های ۱۵ الی ۲۵ نفری دعوت می‌شدند که در واقع متناسب با محیط هر کلینیک بود. پس از حضور آنها در کلینیک مورد نظر محقق مقدمه‌ای از اهداف پژوهش را به صورت ضمنی توضیح داده و سپس نحوه پاسخ‌دهی به سؤالات شرح داده شد. آنگاه پرسشنامه‌های سازگاری پس از طلاق فیشر، حمایت اجتماعی ادراک شده، سازگاری اجتماعی، سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و تنظیم شناختی هیجان در اختیار آزمودنی‌ها قرار داده و از آنها خواسته شد که به سؤالات پاسخ دهند. پژوهشگر در طول اجرای پرسشنامه‌ها به پاسخ‌دهی آزمودنی‌ها نظارت داشت و در صورت لزوم با ارایه توضیحات کافی به سؤالات آنها پاسخ و اشکالات را رفع می‌کرد.

بروس فیشر<sup>(۱)</sup> پرسشنامه مقیاس سازگاری پس از طلاق را ساخت و چندین بار در زمان‌های مختلف مورد تجدید نظر قرار گرفت. این مقیاس

متشکل از ۱۰۰ سؤال است که به روش لیکرت در دامنه ای از ۱ الی ۵ به ترتیب از ۱ (همیشه) تا ۵ (هرگز) نمره‌گذاری می‌شوند. برای ارزیابی سطح سازگاری پس از پایان یافتن یک رابطه عاشقانه طراحی شده است (۲۸).<sup>۱</sup>

روش نمره‌گذاری پرسشنامه سازگاری پس از طلاق فیشر<sup>(۲)</sup> که دارای ۶ زیر مقیاس می‌باشد عبارتند از: ۱- احساس خودارزشی (ارزش خود): سؤالات ۶، ۹، ۱۳، ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۶، ۲۸، ۳۱، ۳۳، ۳۵، ۳۹، ۴۷، ۵۲، ۵۵، ۶۰، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۳، ۷۸، ۷۹ و ۱۰۰-۲ رها شدن از رابطه قبلی: سؤالات ۳، ۱۰، ۱۲، ۱۷، ۲۵، ۳۰، ۴۱، ۴۳، ۴۹، ۵۱، ۵۷، ۵۹، ۶۴، ۶۶، ۷۱، ۷۶، ۷۷، ۸۰، ۸۲، ۸۶، ۹۱ و ۹۹. ۳- خشم: سؤالات ۵، ۸، ۱۴، ۲۷، ۳۲، ۳۴، ۳۷، ۴۵، ۵۳، ۶۱، ۸۴ و ۹۳-۴ سوگ: سؤالات ۲، ۷، ۱۱، ۱۶، ۱۸، ۲۴، ۲۹، ۳۶، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۸، ۵۰، ۵۶، ۵۸، ۶۵، ۷۵، ۸۱، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۴، ۹۶ و ۹۸-۵ اعتماد اجتماعی: سؤالات ۳۸، ۴۶، ۶۲، ۶۳، ۷۴، ۸۳، ۸۸ و ۹۵-۶ خودارزشی اجتماعی: سؤالات ۱، ۴، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۵۴، ۸۵، ۹۲ و ۹۷. بوهلر ۱۹۹۰؛ به نقل از بلالی و همکاران ۱۳۹۰ نمره کل سازگاری بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ است که نمره ۳۵۰ و کمتر به عنوان سازگاری ضعیف، نمره ۳۵۱ تا ۴۴۰ به عنوان سازگاری متوسط و نمره ۴۴۱ تا ۵۰۰ به عنوان سازگاری خوب در نظر گرفته می‌شود.

1-Bruce Fisher  
2-Fisher Divorce Adjustment Scale

دست می‌آید. حداقل نمره آزمودنی‌ها ۱۲ و حداکثر آن ۶۰ خواهد بود، کسب نمره بالا نشان دهنده ادراک بالای حمایت اجتماعی است (۳۰).

روایی و پایایی برآور، امسلی، کید، لوچنر و سیدات سیدات (۳۱) در بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس، با استفاده از تحلیل عامل تأییدی نشان دادند که ساختار سه عاملی مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده چند بعدی (خانواده، دوستان و افراد مهم در زندگی) برازش قابل قبولی با داده‌ها دارد. سلیمی، جوکار و نیک پور پایایی این مقیاس را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای سه بعد حمایت اجتماعی دریافت شده از سوی خانواده، دوستان و افراد مهم زندگی به ترتیب: ۰/۸۶، ۰/۸۶ و ۰/۸۲ گزارش کرده‌اند (۳۲). در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای حمایت خانواده، دوستان و افراد مهم به ترتیب مقادیر: ۰/۷۵، ۰/۷۵ و ۰/۷۴ به دست آمد.<sup>۱</sup>

پرسشنامه سازگاری اجتماعی<sup>(۱)</sup> اقتباس شده از پرسشنامه‌ای که به وسیله بل تدوین شده است که حاوی ۳۲ سؤال می‌باشد. وی در زمینه سازگاری دو پرسشنامه ارایه کرده است که یکی مربوط به دانش آموزان و دانشجویان است و دیگری مربوط به بزرگسالان و هر فرم پنج بعد سازگاری را در بر می‌گیرد که یکی از ابعاد آن سازگاری اجتماعی است. این پرسشنامه در سال ۱۳۶۵ به وسیله سیمون، در ایران هنجاریابی شد (۳۳).

پایایی و روایی این پرسشنامه در پژوهش‌های زیادی که در خارج از کشور صورت گرفته، محاسبه شده است که نتایج نشان دهنده این است که دارای پایایی بالا و روایی مناسبی است. فیشر پایایی بازآزمایی این مقیاس را ۰/۹۸ گزارش کرده است (۲۷). در پژوهش حاضر نیز پایایی این ابزار از طریق آلفای کرونباخ برای احساس خود ارزشی برابر با ۰/۶۵، رها شدن از رابطه قبلی برابر با ۰/۸۰، خشم برابر با ۰/۶۹، سوگ برابر با ۰/۷۲، اعتماد اجتماعی برابر با ۰/۷۰، خودارزشی برابر با ۰/۸۴ و در مورد نمره کل برابر با ۰/۷۰ به دست آمد.

پرسشنامه حمایت اجتماعی ادراک شده چند بعدی<sup>(۱)</sup> به وسیله زیمت و همکاران به منظور سنجش حمایت اجتماعی ادراک شده فرد تهیه شده است (۲۹). مقیاس حمایت اجتماعی ادراک شده دارای ۱۲ عبارت است که حمایت اجتماعی دریافت شده افراد را از ۳ منبع: خانواده، دوستان و افراد مهم زندگی می‌سنجد.

روش نمره‌گذاری میزان حمایت اجتماعی ادراک شده فرد را در سه حیطه مذکور در طیف ۵ گزینه‌ای کاملاً مخالفم ۱ و کاملاً موافقم ۵ می‌سنجد. زیر مقیاس خانواده شامل: سؤالات ۳، ۴، ۸ و ۱۱، زیر مقیاس دوستان شامل: سؤالات ۶، ۷، ۹ و ۱۲ و زیر مقیاس افراد مهم زندگی شامل: سؤالات ۱، ۲، ۵ و ۱۰ است برای به دست آوردن نمره همه گویه‌ها با هم جمع شده و بر تعداد آنها تقسیم می‌شود (۱۲). نمره هر زیر مقیاس نیز از حاصل جمع نمرات گویه‌های مربوط به آن تقسیم بر تعداد گویه‌های آن زیر مقیاس به

1-Multidimensional Scale of Perceived Social Support  
2-Social Adjustment Inventory

این پرسشنامه ۳۲ سؤالی؛ آزمودنی به هر سؤال به صورت بلی، خیر یا نمی‌دانم پاسخ می‌دهد. پاسخ خیر به سؤالات ۲، ۸، ۹، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۳۰، ۳۲ پرسشنامه، نمره یک و پاسخ بلی این سؤالات، نمره صفر می‌گیرند. همچنین سؤالات ۳۱، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۵، ۲۴، ۲۲، ۲۰، ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۱۱، ۱۲، ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳ و ۱ پرسشنامه، به پاسخ بلی نمره یک و پاسخ خیر نمره صفر داده می‌شود، و گزینه نمی‌دانم نمره‌ای نمی‌گیرد. برای به دست آوردن نمره سازگاری اجتماعی نمره کلیه عبارات با هم جمع می‌شود. به این ترتیب دامنه نمرات هر فرد بین صفر تا ۳۲ خواهد بود. هر چه آزمودنی نمره کمتری کسب کند، سازگاری بیشتری دارد و بالعکس. بر اساس امتیازبندی پرسشنامه بل، وضعیت سازگاری فرد بر حسب خود (نمره ۵-۸)، متوسط (نمره ۹-۱۶) و ضعیف (نمره ۱۷ و بیشتر) طبقه‌بندی گردید.

بل ضریب پایایی را برای سازگاری اجتماعی ۰/۸۸ گزارش کرده است. این پرسشنامه به وسیله بهرامی بعد از ترجمه و ویرایش روی ۲۰۰ نفر به صورت تصادفی اجرا شد. پایایی این آزمون با روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید و ضریب آلفای آن معادل ۰/۸۹ به دست آمد. همچنین در پژوهش عالی پوربیرگانی و همکاران (۳۳) آلفای کرونباخ ۰/۸۶ به دست آمد. در پژوهش دیگری که به وسیله عبدی فرد روی ۱۵ نفر از دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه مشهد صورت گرفت، پایایی آزمون به روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست

آمد. در پژوهش حاضر نیز پایایی این ابزار از طریق آلفای کرونباخ مقدار ۰/۷۲ به دست آمد.

پرسشنامه سبک های دلبستگی بزرگسالان<sup>(۱)</sup> که با استفاده از مواد آزمون دلبستگی هازان و شاور (۳۴) به وسیله بشارت (۳۵) ساخته شده و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است، یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (هرگز = ۱؛ به ندرت = ۲؛ بعضی اوقات = ۳؛ اغلب اوقات = ۴؛ تقریباً همیشه = ۵) می‌سنجد.

در این پرسشنامه، سؤالات مربوط به سبک اجتنابی ۱-۲-۳-۴-۵ سبک ایمن ۶-۷-۸-۹-۱۰ و سبک دوسوگرا ۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵ می‌باشد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در خرده مقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود.<sup>۱</sup>

ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) پرسش‌های خرده مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دوسوگرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل؛ ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۵ (برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۶) محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس دلبستگی بزرگسالان است. ضرایب توافق کندال (روایی) برای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا به ترتیب؛ ۰/۸۰، ۰/۶۱ و ۰/۷۵ محاسبه شد (۳۵). نمره

1-Adult Attachment Inventory



موقعیت‌های بالینی و پژوهشی، نسخه کوتاهی از پرسشنامه شخصیتی نئو با عنوان پرسشنامه پنج عاملی طراحی شد (۳۷). این پرسشنامه شامل ۶۰ ماده است که بر اساس تحلیل عاملی نمرات فرم بلند (NEO-PI) که در سال ۱۹۸۶ اجرا شده بود، به دست آمده است. در این پرسشنامه برای هر عامل، ۱۲ پرسش وجود دارد که این عوامل با توجه به دارا بودن بیشترین بار عاملی در ارتباط با صفت مورد نظر، انتخاب شده‌اند (۳۸). این پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت شامل نروزرگرای (روان رنجور خویی)، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری (گشودگی و باز بودن به تجربیات)، دلیزیر بودن (توافق با دیگران) و وجدانی بودن (مسئولیت‌پذیری) را می‌سنجد. آزمودنی پاسخ مورد نظر خود را برای هر عبارت در مقیاس پنج گزینه‌ای (از کاملاً قبول تا کاملاً مخالف) ارایه می‌کند (۳۷).<sup>۱</sup>

این پرسشنامه بر اساس مقیاس لیکرتی (کاملاً مخالفم، مخالفم، بی تفاوت، موافقم و کاملاً موافقم) تنظیم شده است. این پرسشنامه شامل ۵ خرده مقیاس که عبارتند از روان رنجورخویی: سؤالات ۱، ۶، ۱۱، ۱۶، ۲۱، ۲۶، ۳۱، ۳۶، ۴۱، ۴۶، ۵۱، ۵۶ و برون‌گرایی: سؤالات ۲، ۷، ۱۲، ۱۷، ۲۲، ۲۷، ۳۲، ۳۷، ۴۲، ۴۷، ۵۲ و گشودگی: سؤالات ۳، ۸، ۱۳، ۱۸، ۲۳، ۲۸، ۳۳، ۳۸، ۴۳، ۴۸، ۵۳، ۵۸ توافق‌پذیری: سؤالات ۴، ۹، ۱۴، ۱۹، ۲۴، ۲۹، ۳۴، ۳۹، ۴۴، ۴۹، ۵۴، ۵۹ و وظیفه شناسی:

1-Neo Five-Factor Inventory (Neo-Ffi)

خرده مقیاس‌های دلبستگی از طریق محاسبه میانگین نمرات سؤالات هر خرده مقیاس‌های به دست می‌آیند. بدین صورت که برای تعیین سبک دلبستگی هر فرد، ارزش‌های عددی گویه‌های مرتبط با هر سطح، با یکدیگر جمع و بر ۵ تقسیم می‌گردد. میانگین هر خرده مقیاس به تفکیک، مشخص و با میانگین فرضی مقایسه می‌گردد. هازان و شاور بازآزمایی کل پرسشنامه را ۰/۸۷ و پایایی با آلفای کرونباخ را ۰/۷۸ به دست آوردند. در پژوهش حاضر، پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های سبک دلبستگی اجتنابی ۰/۶۸، سبک دلبستگی ایمن ۰/۷۷ و سبک دوسوگرا ۰/۷۵ به دست آمد.

مک‌کری و کاستا به منظور عملی کردن مدل پنج عاملی شخصیت<sup>(۱)</sup> اقدام به ساخت پرسشنامه‌ای نمودند که در خلال چهار دهه گذشته بسط و گسترش یافته است. از آن جایی که این دو پژوهشگر در ابتدا بر سه عامل روان رنجور خویی (N)، برون‌گرایی (E) و گشودگی (O) تأکید داشتند، آزمون آنها به "NEO" معروف گردید (۳۶).

مک‌کری و کاستا اولین پرسشنامه را با ۱۸۱ آیتم در سال ۱۹۸۵ تهیه کردند و نسخه تجدید نظر شده آن نیز در سال ۱۹۹۲ منتشر شد که شامل ۲۴۰ عبارت بود و ۵ عامل عمده را ارایه می‌کند و هر عامل شامل ۶ بعد است. با توجه به پیچیدگی و طولانی بودن فرم بلند پرسشنامه شخصیتی نئو، ضرورت سرند سریع در مواقع لازم و مهم تر از همه عدم تمایل آزمودنی در پاسخ دادن به ابزاری طولانی در

سؤالات ۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۴۰، ۴۵، ۵۰، ۵۵، ۶۰ می‌باشد. هر عامل در فرم کوتاه ۶۰ سؤالی با ۱۲ سؤال سنجیده می‌شود. هر سؤال آزمودنی نمره صفر تا ۴ را احراز می‌کند و در کل آزمودنی در هر مقیاس نمره بین ۰ تا ۴۸ را کسب می‌کند.

مک کری و کوستا فرم ۶۰ سؤالی نئو را بر روی ۲۰۸ دانشجوی به فاصله ۳ ماه اجرا کردند و ضرایب پایایی ۰/۸۳، ۰/۸۰/۷۵، ۰/۷۹، ۰/۷۹ را به ترتیب برای عوامل روان رنجورخویی، برون گرایی، گشودگی، موافق بودن و مسئولیت‌پذیری به دست آوردند (۳۷). پایایی پرسشنامه در پژوهش‌های مک کری و کاستا (۳۸) میانگین ۰/۷۲ را برای مجموع ابعاد گزارش کردند. این آزمون در ایران به وسیله گروسی و همکاران هنجاریابی شده است. گروسی فرشی، مهریار و قاضی طباطبایی (۳۹)، در هنجاریابی این ابزار ضرایب همبستگی ۵ خرده مقیاس را بین ۰/۵۶ تا ۰/۸۷، ضرایب آلفای کرونباخ را در دامنه‌ای بین ۰/۸۷ تا ۰/۶۶ و همبستگی بین دو نسخه گزارش شخصی و نسخه ارزیابی مشاهده‌گر را در دامنه‌ای بین ۰/۶۶ تا ۰/۴۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز پایایی درونی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید و مقادیر آن برای خرده مقیاس‌ها بدین ترتیب بود: روان رنجور خویی ۰/۶۴، برون گرایی ۰/۷۳، گشودگی به تجربه ۰/۸۱، توافق‌پذیری ۰/۷۸ و وظیفه‌شناسی ۰/۷۰ به دست آمد.

گارفنسکی و همکاران (۴۰) با تمرکز بر راهبردهای شناختی تنظیم هیجان در مواجهه با

حوادث تهدیدکننده و استرس‌زای زندگی، پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان<sup>(۱)</sup> را ساختند. آنها این پرسشنامه را بر اساس یک رویکرد نظریه محور با استفاده از راهبردهای مقابله شناختی موجود، تغییر راهبردهای مقابله غیرشناختی به شناختی و اضافه کردن راهبردهای جدید تهیه کردند. پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان از ۹ زیرمقیاس تشکیل شده است و هر مقیاس آن یک فرآیند مقابله شناختی را می‌سنجد: خود سرزنشگری، دیگر سرزنشگری، تمرکز بر فکر/نشخوارگری، فاجعه‌نمایی، کم اهمیت شماری، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی.<sup>۱</sup>

نسخه اولیه پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان ۳۶ گویه داشت. به دلیل ضرورت کاربرد روزافزون و مزایای مقیاس‌های کوتاه تر، گارفنسکی و کرایچ گویه‌ای پرسشنامه تنظیم شناختی را اعتباریابی و معرفی کردند. در پژوهش حاضر نسخه ۱۸ ماده‌ای به کار گرفته شده است. راهبرد شناختی تنظیم هیجان در پرسشنامه تنظیم شناختی هیجان به دو دسته کلی راهبردهای انطباقی (سازش یافته) و راهبردهای غیرانطباقی (سازش نیافتده) تقسیم می‌شوند. زیرمقیاس‌های کم اهمیت شماری، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی، راهبردهای سازش یافته و زیرمقیاس‌های خود سرزنشگری، دیگر سرزنشگری،

1-Cognitive Emotion Regulation Questionnaire

غالب مقیاس‌ها با ضرایب آلفای کرونباخ  $0/80$  تأیید شد. در این پژوهش نیز پایایی درونی این پرسش‌نامه به روش آلفای کرونباخ محاسبه گردید و مقادیر آن برای ۹ مقیاس‌ها بدین ترتیب: خودسرزنشگری  $0/70$ ، پذیرش  $0/62$ ، تمرکز بر فکر نشخوارگری  $0/67$ ، تمرکز مجدد مثبت  $0/68$ ، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی  $0/77$ ، ارزیابی مجدد مثبت  $0/72$ ، کم اهمیت شماری  $0/69$ ، فاجعه‌نمایی  $0/75$  و دیگر سرزنشگری  $0/77$  به دست آمد.

داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون تجزیه و تحلیل شدند.

#### یافته‌ها

در پژوهش حاضر به بررسی یک مدل ساختاری پرداخته شد. قبل از ارزیابی مدل ساختاری، ابتدا به بررسی پیش فرض‌های مدلیابی معادلات ساختاری پرداخته شد. تحقق این پیش‌فرض‌ها بر مناسب بودن استفاده از این روش آماری برای پژوهش حاضر صحت گذاشت.

از جمله پیش‌فرض‌های مهم این رویکرد آماری تحقق نرمال بودن تک متغیری و نرمال بودن چندمتغیری است. معمولاً نرمال بودن تک متغیری با بررسی چولگی و کشیدگی متغیرهای مشهود ارزیابی می‌شود.

تمرکز بر فکر/نشخوارگری و فاجعه‌نمایی راهبردهای سازش نیافته را تشکیل می‌دهد.

نمره گذاری این پرسش‌نامه ابتدا نمره هر گزینه به این صورت مشخص می‌شود؛ هرگز=۱، گاهی=۲، معمولاً=۳، اغلب=۴، همیشه=۵. سپس نمره هر یک از مقیاس‌های ۹ گانه با جمع نمره‌های دو ماده هر زیرمقیاس محاسبه می‌شود. خودسرزنشگری سؤالات ۱ و ۲، پذیرش سؤالات ۳ و ۴، تمرکز بر فکر/نشخوارگری سؤالات ۵ و ۶، تمرکز مجدد مثبت سؤالات ۷ و ۸، تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی سؤالات ۹ و ۱۰، ارزیابی مجدد مثبت سؤالات ۱۱ و ۱۲ کم اهمیت شماری سؤالات ۱۳ و ۱۴، فاجعه‌نمایی سؤالات ۱۵ و ۱۶ و دیگر سرزنشگری سؤالات ۱۷ و ۱۸ از مجموع نمره مربوط به مقیاس‌های کم اهمیت شماری، تمرکز مجدد مثبت، ارزیابی مجدد مثبت، پذیرش و تمرکز مجدد بر برنامه‌ریزی تقسیم بر ۱۰ (تعداد ماده‌ها)، نمره راهبردهای سازش یافته و از مجموع نمره زیر مقیاس‌های خودسرزنشگری، دیگر سرزنشگری، تمرکز بر فکر/نشخوارگری و فاجعه‌نمایی تقسیم بر ۸ (تعداد ماده‌ها) نمره راهبردهای سازش نیافته به دست می‌آید (۴۱).

ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه تنظیم شناختی هیجان در پژوهش‌های خارجی مورد تأیید قرار گرفته است و نتایج تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی ۹ عامل پیش‌بینی شده را مشخص کرد. پایایی بازآزمایی نشان داد که راهبردهای مقابله شناختی از ثبات نسبی برخوردارند و همسانی درونی

در جدول ۱ ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش گزارش شده است، با توجه به نتایج گزارش شده مشخص است که رابطه همبستگی بین تمام متغیرهای پژوهش از نظر آماری معنی‌دار است. باید دقت کرد که به علت بالا بودن حجم نمونه تحقیق رابطه معنی‌دار بین متغیرهای تحقیق تا حدودی طبیعی است، چرا که ضریب همبستگی پیرسون به حجم نمونه ارتباط دارد.

همان‌گونه که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، سازگاری پس از طلاق با سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری و تنظیم شناختی سازش نیافته، رابطه منفی و معنی‌دار و با سایر متغیرها رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. سازگاری اجتماعی با سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری و تنظیم شناختی سازش نیافته، رابطه منفی و معنی‌دار دارد و با سایر متغیرها رابطه مثبت و معنی‌دار دارد. تنظیم شناختی سازش نیافته با سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری و رابطه مثبت و معنی‌دار و با سایر متغیرها رابطه منفی و معنی‌دار دارد. تنظیم شناختی سازش نیافته با سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا، ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری و تنظیم شناختی سازش نیافته، رابطه منفی و معنی‌دار دارد و با سایر متغیرها رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.

برای بررسی از مدل‌یابی معادلات ساختاری به وسیله نرم‌افزار AMOS استفاده شد، با توجه به این

که توزیع متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال بودند، برای برآورد پارامترهای مدل ساختاری از روش بیشینه درست‌نمایی استفاده شد. با استفاده از روش برآورد بیشینه درست‌نمایی به برآورد پارامترها و ضرایب مسیر پرداخته شد.

قبل از ارزیابی مدل ساختاری، شاخص‌های برازش برای مدل اندازه‌گیری محاسبه شد. مدل اندازه‌گیری ارتباط متغیرهای مشهود با متغیرهای مکنون را مشخص می‌کند. ارزیابی این مدل با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی انجام می‌شود. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری که در جدول ۲ ارائه شده است، برازش بسیار مناسب این مدل را نشان می‌دهد. بنابراین متغیرهای مشهود توانایی لازم برای عملیاتی کردن متغیرهای مکنون را دارند، همچنین ارزیابی مدل ساختاری حاکی از برازش مناسب این مدل است. شاخص‌های برازش مربوط به این مدل در جدول ۲ دیده می‌شود. همان‌گونه که مندرجات این جدول نشان می‌دهد تمامی شاخص‌ها در محدوده برازش مناسب مدل قرار دارند.

نتایج با توجه به ملاک کلاین و مطابق با جدول ۲ حاکی از آن است که مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است. از مجموع آماره‌های برازش، شاخص مطلوبیت برازش به ترتیب جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA)، شاخص تعدیل یافته برازندگی (AGFI)، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) در این مدل اندازه‌گیری گردید. دو شاخص AGFI و GFI هر چقدر به یکدیگر نزدیک‌تر

اجتماعی بر سازگاری پس از طلاق تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

برای آزمودن اثرات غیرمستقیم متغیرهای ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های دلبستگی و حمایت ادراک شده بر متغیر وابسته (سازگاری پس از طلاق)، از طریق متغیرهای میانجی‌گر تنظیم شناختی هیجان و سازگاری اجتماعی، از روش بوت استراپ استفاده گردید. البته جدول ۳ نتایج حاصل از تحلیل بوت استراپ برای بررسی معنی‌داری تأثیرات غیرمستقیم ویژگی شخصیت، حمایت ادراک شده و دلبستگی بر سازگاری پس از طلاق با واسطه‌گری تنظیم شناختی هیجان و سازگاری اجتماعی را نشان می‌دهد.

بر اساس ضرایب پارامترهای استاندارد ارایه شده در جدول ۳، اثر استاندارد ویژگی‌های شخصیت، سبک‌های دلبستگی، حمایت ادراک شده و تنظیم هیجان سازش یافته از طریق متغیرهای میانجی معنی‌دار می‌باشد، اما اثرات استاندارد دلبستگی به سازگاری اجتماعی و تنظیم هیجان سازش یافته به سازگاری پس از طلاق معنی‌دار نمی‌باشد. جدول ۴ مقادیر استاندارد اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، سازگاری اجتماعی قوی‌ترین پیش‌بین سازگاری پس از طلاق بوده است، پس از آن ویژگی‌های شخصیت قرار دارند که اگر چه به صورت مستقیم تأثیر معنی‌دار ندارند، اما با میانجی تنظیم هیجان و

باشند، برآزش کامل مدل را بیشتر نشان می‌دهند و کم بودن شاخص  $RMSEA = 0/05$  به منزله مطلوبیت برآزش مدل است. از مجموع شاخص‌های برآزش می‌توان دریافت که داده‌ها با مدل مفروض، هماهنگی دارند و مدل مفهومی قابل تأیید است.

نمودار ۱ مدل ساختاری فرضی را به همراه ضرایب استاندارد به تصویر می‌کشد و مدل نهایی پژوهش را پس از حذف مسیرهای غیر معنی‌داری را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که در نمودار ملاحظه می‌شود، ویژگی‌های شخصیت و سبک‌های دلبستگی، به طور مستقیم بر سازگاری پس از طلاق تأثیر ندارد، اما از طریق تنظیم شناختی هیجان و سازگاری اجتماعی تأثیر معنی‌دار دارد. همچنین حمایت ادراک شده تنها از طریق سازگاری اجتماعی بر سازگاری پس از طلاق تأثیر دارد. به عبارتی افزایش حمایت ادراک شده موجب افزایش سازگاری اجتماعی می‌شود و این افزایش با بالا رفتن سازگاری پس از طلاق همراه می‌شود. تنظیم هیجان سازش نیافتده بر سازگاری پس از طلاق، تأثیر منفی و معنی‌داری دارد. بدین معنی که افزایش تنظیم هیجان سازش نیافتده موجب کاهش سازگاری پس از طلاق می‌شود، همچنین این متغیر از طریق سازگاری اجتماعی نیز بر سازگاری پس از طلاق تأثیر دارد. متغیر تنظیم هیجان سازش یافته نیز به صورت مستقیم و به طور غیرمستقیم هم از طریق سازگاری اجتماعی بر سازگاری پس از طلاق تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. در نهایت متغیر سازگاری

داشتند. متغیرهای ذکر شده در مجموع ۶۵ درصد از واریانس سازگاری پس از طلاق را تبیین می‌کنند. در نهایت می‌توان بیان نمود که تنظیم شناختی هیجان و سازگاری اجتماعی می‌توانند در رابطه بین ویژگی‌های شخصیت، حمایت ادراک شده و سبک‌های دلبستگی با سازگاری پس از طلاق نقش میانجی ایفا کنند.

سازگاری اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر سازگاری پس از طلاق دارند. نکته قابل ذکر این است، متغیرهای حمایت ادراک شده، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های شخصیت تأثیر مستقیم و معنی‌داری بر روی متغیر سازگاری پس از طلاق نداشتند، اما از طریق متغیرهای تنظیم شناختی هیجان و سازگاری اجتماعی تأثیر معنی‌داری بر روی سازگاری پس از طلاق

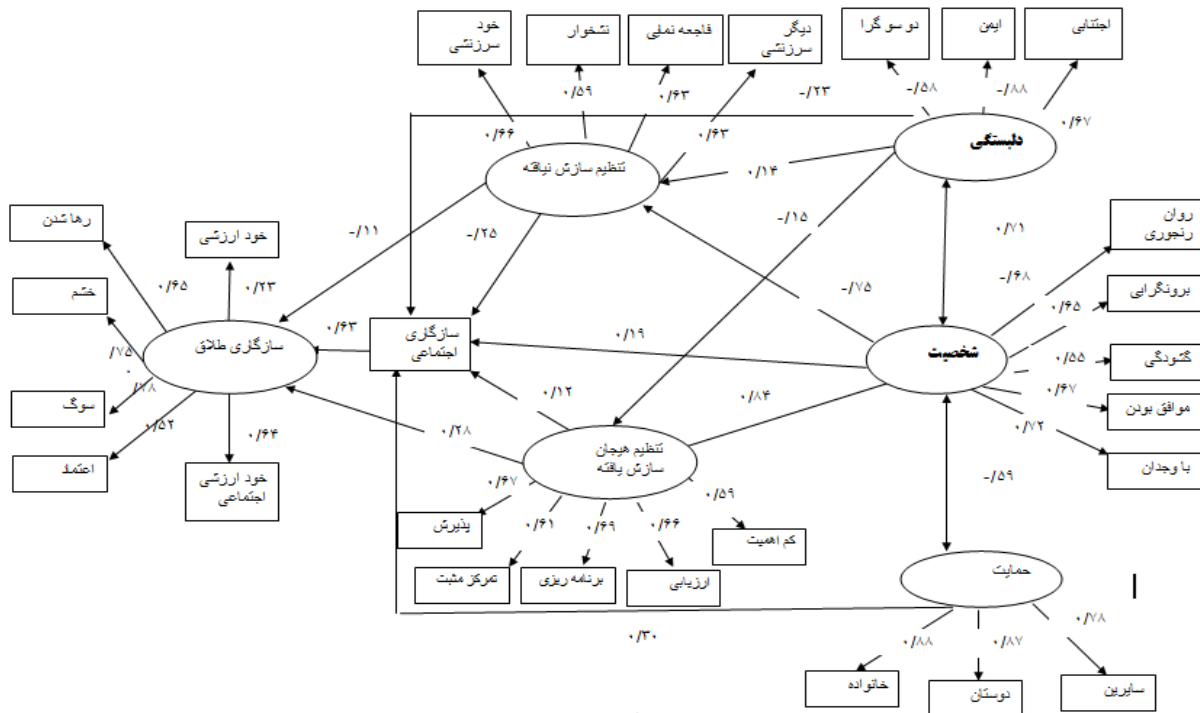
جدول ۱: ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱. اجتنابی	۱													
۲. ایمن	-.۶۰**	۱												
۳. دوسوگرا	.۵۹**	-.۴۸**	۱											
۴. حمایت خانواده	-.۳۴**	.۴۳**	.۳۴**	۱										
۵. حمایت دوستان	-.۳۲**	.۴۲**	.۳۲**	.۷۶**	۱									
۶. حمایت سایرین	-.۲۸**	.۳۹**	.۲۷**	.۷۸**	.۷۸**	۱								
۷. روان رنجوری	.۳۴**	-.۴۳**	.۲۹**	.۳۵**	-.۳۲**	-.۲۶**	۱							
۸. بیرون گرایی	-.۳۳**	.۴۱**	.۲۲**	.۳۲**	.۳۴**	.۲۸**	-.۴۷**	۱						
۹. گشودگی	-.۳۱**	.۴۵**	.۲۲**	.۳۵**	.۳۸**	.۳۰**	-.۴۲**	.۵۲**	۱					
۱۰. موافق بودن	-.۳۰**	.۴۰**	.۲۷**	.۳۶**	.۳۷**	.۲۹**	-.۴۳**	.۵۷**	.۵۲**	۱				
۱۱. با وجدان	-.۳۵**	.۴۴**	.۳۳**	.۴۴**	.۴۳**	.۳۴**	-.۵۱**	.۵۰**	.۴۲**	.۵۹**	۱			
۱۲. سازش نایافته	.۳۴**	-.۵۰**	.۳۵**	.۴۸**	-.۴۷**	-.۴۳**	.۵۸**	.۳۹**	-.۴۴**	-.۴۶**	.۵۲**	۱		
۱۳. سازش یافته	-.۳۷**	.۵۰**	.۳۶**	.۴۶**	.۴۱**	.۳۳**	-.۵۰**	.۴۲**	.۵۰**	.۴۸**	.۵۹**	-.۶۰**	۱	
۱۴. سازگاری اجتماعی	-.۴۲**	.۵۳**	.۳۹**	.۵۵**	.۵۱**	.۴۹**	-.۴۶**	.۴۱**	.۴۹**	.۴۸**	.۴۷**	-.۵۷**	.۵۵**	۱
۱۵. سازگاری طلاق	-.۴۷**	.۶۳**	.۴۵**	.۶۰**	.۶۰**	.۴۹**	-.۵۷**	.۵۰**	.۶۴**	.۵۹**	.۶۵**	-.۷۷**	.۷۷**	.۷۵**

\* $p \leq / 0.05$       \*\* $p \leq / 0.01$

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل پژوهش

مقادیر حاصل	درجه آزادی	شاخص نیکویی برازش	نیکویی برازش اصلاح شده	شاخص برازندگی توکر-لویس	شاخص برازش مقایسه ای	واریانس خطای تقریب
۲/۲۲	۰/۹۰	۰/۹۰	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۳	۰/۰۵
مقادیر قابل قبول	< ۳	> ۰/۹۰	> ۰/۹۰	۰/۹۰ >	> ۰/۹۰	< ۰/۰۸



شکل ۱: مدل مسیر پژوهش پس از حذف مسیرهای غیر معنی دار

جدول ۳: نتایج حاصل از تحلیل بوت‌استرپ برای بررسی معنی داری تأثیرات غیرمستقیم

پارامتر- مسیر	$\beta$	حد پایین	حد بالا	سطح معنی داری
شخصیت به سازگاری اجتماعی	۰/۱۳	-۰/۴۸	-۰/۰۵	۰/۰۴
شخصیت به سازگاری طلاق	۰/۱۵	-۰/۸۳	-۰/۳۵	۰/۰۰۱
دلبستگی به سازگاری اجتماعی	۰/۰۴	-۰/۱۴	-۰/۰۱	۰/۰۷
دلبستگی به سازگاری طلاق	۰/۱۲	-۰/۵۰	-۰/۱۰	۰/۰۰۱
حمایت به سازگاری اجتماعی	۰/۰۴	۰/۰۱	۰/۱۴	۰/۰۴
حمایت به سازگاری طلاق	۰/۱۲	۰/۱۲	۰/۵۱	۰/۰۰۱
تنظیم هیجان سازش یافته به سازگاری طلاق	۰/۱۱	-۰/۰۱	۰/۳۵	۰/۱۵
تنظیم هیجان سازش نیافتاده به سازگاری طلاق	۰/۱۶	-۰/۵۸	-۰/۰۳	۰/۰۳

جدول ۴: مقادیر استاندارد اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای پژوهش

متغیر پیش‌بین	متغیر ملاک	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
حمایت ادراک شده		-/۰۵	۰/۲۵	۰/۱۹
سبک های دلبستگی		-/۰۵	-/۲۳	-/۲۸
ویژگی های شخصیت	سازگاری پس از طلاق	۰/۰۵	۰/۵۴	۰/۵۹
تنظیم هیجان سازش یافته		۰/۲۸	-/۰۸	۰/۳۶
تنظیم هیجان سازش نیافته		-/۱۱	-/۱۶	-/۲۷
سازگاری اجتماعی		۰/۶۳	-	۰/۶۳

### بحث

زندگی پس از طلاق و ضرورت بازسازی دوباره زندگی آنان، در پی شناسایی مؤلفه هایی از میان عوامل اجتماعی و روانشناختی است که نقش برجسته تری در سازگاری پس از طلاق زنان ایفا می کنند. عوامل اجتماعی (حمایت اجتماعی ادراک شده و سازگاری اجتماعی) و عوامل روانشناختی (سبک دلبستگی، ویژگی های شخصیتی و تنظیم شناختی هیجان) در نظر گرفته شد. لذا هدف از این پژوهش تعیین و تدوین مدل ساختاری سازگاری پس از طلاق بر اساس عوامل اجتماعی و روانشناختی در زنان مطلقه شهر شیراز بود.

نتایج مربوط به پژوهش حاضر در جهت تبیین و برآزش از وضعیت مطلوب و مناسبی به لحاظ آماری برخوردار بود، همچنین نشان داد که ویژگی های شخصیت و سبک های دلبستگی اثر غیرمستقیم بر سازگاری پس از طلاق با واسطه گری تنظیم شناختی هیجان و سازگاری اجتماعی دارند. به عبارتی اگر چه اثر مستقیم ویژگی های شخصیت و سبک های دلبستگی بر سازگاری پس از طلاق معنی دار نبود، اما اثر غیرمستقیم و واسطه ای آن در پژوهش

پژوهش های مرتبط با طلاق در ایران نشان داده است، پس از طلاق، جامعه بر زنان سختگیری بیشتری کرده و پیامدهای روانشناختی طلاق برای زنان، آسیب های بیشتری را به دنبال دارد و زنان تا سال ها بعد از طلاق با این پیامدها دست به گریبان هستند (۴۲). با وجود پژوهش های گسترده در زمینه زنان پس از طلاق، هنوز ابهاماتی در خصوص شناسایی عوامل زمینه ساز وجود دارد. سازگاری با شرایط پس از طلاق تحت تأثیر شخصیت، جنسیت، شرایط اجتماعی و فرهنگی فرد قرار دارد (۴۳). بعد از طلاق، به دلیل مشکلات اجتماعی و مالی، کیفیت زندگی زنان بیش از مردان افت می کند (۴۴). زنان پس از طلاق با افسردگی، خشم، اضطراب و استرس نیز مواجه می شوند (۱۶).

اگر چه پژوهش های چندی در حیطه سازگاری پس از طلاق انجام شده، اما تا کنون تمام مولفه هایی که در این پژوهش مد نظر قرار گرفته، تحت یک مدل یکپارچه به آنها پرداخته نشده است. این پژوهش با توجه به مشکلات پیش روی زنان در



طور کلی روان رنجوری از طریق تنظیم هیجان سازش یافته بر سازگاری پس از طلاق بیشترین تأثیر را دارد که در این جا منفی ۵۲ صدم نشان از رابطه معکوس می‌باشد. در این پژوهش روان رنجوری قادر به پیش‌بینی سازگاری پس از طلاق نمی‌باشد، که در تبیین آن می‌توان گفت، افراد روان رنجور به واسطه ناتوانی آنها در به کارگیری راهبردهای انطباقی، تداوم تنش، نگرانی و استرس را تجربه می‌کنند. آنها از طریق سوگیری منفی نسبت به هیجان‌ها، نگرانی‌های خود را افزایش می‌دهند، به نظر می‌رسد در شرایط آزار دهنده استرس بیشتری تجربه می‌کنند، بیشتر جذب هیجانات منفی می‌شوند و ارزیابی نادرستی از پریشانی دارند و راهبردهای منفی تنظیم شناختی هیجان مانع از ابراز هیجان‌ها به شیوه‌های سالم می‌شود. عاطفه منفی در این افراد، آغازگر نشخوار فکری است و این خود منجر به تشدید عاطفه منفی و نشخوار فکری بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد که در این چرخه متغیرهایی نظیر فاجعه‌سازی با نشخوار فکری با یکدیگر تعامل پیدا می‌کنند و منجر به عمیق‌تر شدن تفکر سرزنشگرانه و دگر سرزنشگرانه می‌شوند. افراد روان رنجور، به خاطر داشتن ویژگی‌هایی همچون؛ آسیب‌پذیری، افسردگی، اضطراب و تکانشی بودن نه تنها از شرایط زندگی خود راضی نیستند، بلکه در روابط میان فردی نیز مشکل دارند. از آنجایی که ویژگی‌های شخصیتی عوامل تقریباً پایدارند، ویژگی‌های روان رنجوری نیز در تمام زندگی افرادی که شخصیتی این چنین دارند، همراه آنها خواهد بود؛

حاضر معنی‌دار شد. همچنین حمایت ادراک شده تنها از طریق سازگاری اجتماعی بر سازگاری پس از طلاق تأثیر دارد. به عبارتی افزایش حمایت ادراک شده موجب افزایش سازگاری اجتماعی می‌شود و این افزایش با بالا رفتن سازگاری پس از طلاق همراه می‌شود. تنظیم هیجان سازش نیافتده بر سازگاری پس از طلاق، تأثیر منفی و معنی‌دار دارد. بدین معنی که افزایش تنظیم هیجان سازش نیافتده موجب کاهش سازگاری پس از طلاق می‌شود، همچنین این متغیر از طریق سازگاری اجتماعی نیز بر سازگاری پس از طلاق تأثیر دارد. متغیر تنظیم هیجان سازش یافته نیز به صورت مستقیم و غیرمستقیم از طریق سازگاری اجتماعی بر سازگاری پس از طلاق تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. در نهایت متغیر سازگاری اجتماعی بر سازگاری پس از طلاق تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

نتایج پژوهش حاضر در باب حمایت اجتماعی ادراک شده با سازگاری پس از طلاق با مطالعه (۴۵-۵۰) هم‌سو می‌باشد. در زمینه ویژگی‌های شخصیت و سازگاری پس از طلاق نیز با مطالعه (۵۱-۵۶) هم‌سو است. همچنین در باب رابطه بین سبک‌های دلبستگی با راهبردهای تنظیم شناختی با مطالعه (۵۷-۵۹) هم‌خوان می‌باشد. در باب تنظیم شناختی هیجان و سازگاری پس از طلاق با مطالعه (۶۰ و ۶۱، ۵۳) هم‌سو می‌باشد.

با توجه به یافته‌ها، ویژگی‌های شخصیتی افراد در نحوه تنظیم هیجان‌ها نقش مهمی دارند. به

بنابراین دستیابی به سازگاری در خصوص سازگاری روانی با طلاق در آنها مشکل می‌باشد و افراد روان رنجور توانایی سازگاری پس از طلاق را ندارند. هر چه میزان روان رنجوری گسترده تر باشد، ناسازگاری پس از طلاق را بیشتر تجربه خواهند کرد. نتایج آزمون مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که اثر غیرمستقیم سبک دلبستگی ایمن از طریق سازگاری اجتماعی و تنظیم هیجان سازش یافته بر سازگاری پس از طلاق معنی‌دار بود که یافته‌ها با بخشی از نتایج پژوهش‌های (۶۵-۶۲) هم‌سومی باشد. افرادی با دلبستگی ایمن می‌توانند بین پیوند عاطفی و استقلال تعادل برقرار کنند، در این افراد میزان سازگاری با شرایط جدید بالاست و از آن جا که طلاق هم یک موقعیت جدید به حساب می‌آید، احتمالاً راحت‌تر می‌توانند آن را بپذیرند، با شرایط جدید سازگار شوند و زندگی را از سر بگیرند (۶۶). به طور کلی، دلبستگی ایمن می‌تواند عاملی محافظتی در برابر رشد پیامدهای منفی هیجانی و روان شناختی باشد، در مقابل جنبه‌های دلبستگی نایمن، احساسات غیرقابل کنترل و بنابراین استفاده از راهبردهای ناسازگار را موجب می‌شود که این مسئله می‌تواند مشکلات هیجانی فرد را تشدید کند. در تبیین چنین نتایجی می‌توان گفت که افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا در روابط با مراقب اولیه از مراقبت کافی برخوردار نبودند، می‌آموزند که افراد به طور غیرقابل پیش‌بینی در دسترس و پاسخ‌گو هستند. استیصال برای کسب توجه از ویژگی‌های بارز افراد با سبک

دلبستگی دوسوگرا است. این افراد در روابط خود با دیگران به اطرافیان چسبیده، بیش از حد جلب توجه کرده و علاقه‌ای بیش از حد به نزدیکی نشان می‌دهند. این گرایش‌ها منجر به کناره‌گیری افراد از رابطه با آنها شده و به این ترتیب، این باور که نزدیکان برای تأمین نیاز غیرقابل اعتماد هستند، تقویت می‌شود؛ چرا که سازگاری اجتماعی مستلزم توانایی کنترل و مدیریت صحیح هیجان‌ها است. افراد با دلبستگی دوسوگرا دارای حساسیتی بیش از حد نسبت به عواطف منفی، طرد و رها شدن از جانب دیگران هستند. آنها خود را لایق توجه و محبت نمی‌دانند و دارای احساس رضایت کمی در روابط اجتماعی هستند. همچنین این افراد، به دلیل خودمحوری و تمرکز بیش از حد بر خود از مهارت‌های اجتماعی کافی برای برقراری تعاملات اجتماعی برخوردار نیستند و با حساسیتی کمتر و بدون همدلی و کمک مؤثر نسبت به نیازهای دیگران پاسخ می‌دهند (۶۷) و این مسئله نیز به منجر به کاهش سازگاری اجتماعی در آنها می‌شود. کسانی که سبک دلبستگی دوسوگرا دارند، افرادی وابسته‌اند و موقعیت‌ها را استرس‌زا تجربه می‌کنند، همیشه از جدا شدن و ترک شدن می‌ترسند، خودشان را بد و دیگران را خوب ارزیابی می‌کنند، اشتغال ذهنی آنها نسبت به رابطه گذشته بسیار بالاست و عواطف آنها به صورت اضطراب بروز پیدا می‌کند در زمان استرس از راهبردهای بیش‌فعال ساز دلبستگی استفاده می‌کنند که خطر را اغراق‌آمیز جلوه می‌دهد و احساس درماندگی و آسیب‌پذیری را تشدید می‌کند. بنابراین به

نظر می‌رسد که با توجه به مطالب ذکر شده بتوان گفت افرادی که سبک دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا دارند، پس از طلاق در زمینه ارتباطی و فکری نمی‌توانند به سازگاری بالایی دست یابند. نتایج پژوهش‌ها بیانگر این است که شکل‌گیری این دو نوع دلبستگی، عامل خطر بروز مشکلات هیجانی و روان شناختی در فرد هستند. به عبارت دیگر، تجربه کردن دلبستگی ناایمن در دوران کودکی، رشد ناکافی و ناپایدار توانایی تنظیم آشفستگی را به دنبال دارد که این مسئله نیز مانع از رشد منابع درونی مورد نیاز برای مقابله موفقیت‌آمیز با عوامل استرس‌زا می‌گردد. این عدم رشد منابع اغلب در طول تجربه‌های استرس‌زای طولانی مدتی که نیازمند حمایت فعال و مواجهه واقعی با مشکل است، روی می‌دهد.

چنانچه یافته‌های پژوهش نیز نشان داد استفاده از راهبردهای سازش یافته نظم‌دهی شناختی هیجان به افراد کمک می‌کند تا برای شناخت هیجان‌های خود از ادراک و توان بیشتری برخوردار شوند. به این ترتیب افراد می‌توانند احساسات خود را متناسب با موقعیت ابراز نموده و احتمال بروز پرخاشگری در روابط اجتماعی را کاهش دهند (۶۸). همچنین استفاده از این راهبردها منجر به افزایش همدلی و بررسی ابعاد مختلف یک مسئله می‌شود، چرا که راهبردهای سازش یافته نظم‌دهی هیجان به فرد کمک می‌کنند تا تفسیر مثبتی از واقعه پیش رو داشته باشد. این موضوع باعث می‌شود تا در زمان‌هایی که افراد دارای هیجان منفی هستند اعمال تکانشی و یا ناسازگارانه‌ای را انجام

ندهد. علاوه بر این استفاده از این راهبردها می‌تواند سطوح کلی استرس و هیجان‌های منفی را کاهش و هیجان‌های مثبت مانند شادکامی را افزایش دهند، به این ترتیب سازگاری اجتماعی افراد در تعاملات اجتماعی ارتقاء می‌یابد. در تبیین می‌توان گفت تنظیم هیجان سازگارانه با عزت نفس و تعاملات اجتماعی مثبت مرتبط است و افزایش در فراوانی تجربه هیجانی مثبت باعث مراقبه مؤثر با موقعیت استرس‌زا می‌شود، حتی رفتارها و فعالیت‌های مناسب در پاسخ به موقعیت‌های اجتماعی را بالا می‌برد افرادی که مهارت هیجانی بالایی دارند، سبک زندگی خود را به گونه‌ای ترتیب می‌دهند که پیامدهای منفی کمتری را تجربه کنند، آنها همچنین در ایجاد و حفظ روابط کیفی بالا مهارت دارند. توانمندی و قابلیت این افراد در مدیریت و نظم‌دهی هیجان‌ات آنها سبب کاهش مشکلات و افزایش سازگاری می‌شود. افرادی که در زندگی برنامه‌ریزی را همیشه در امور شخصی خود مدنظر دارند در واقع راهبردهای سازگارانه را بیشتر در زندگی به کار می‌برند، در پژوهش حاضر اثر غیرمستقیم تنظیم هیجان سازش یافته بر سازگاری اجتماعی بیش از تنظیم هیجان سازش نایافته می‌باشد. به عبارتی افرادی که راهبردهای سازگارانه را به کار می‌برند، سازگاری اجتماعی بالاتری را تجربه می‌کنند و از آن جایی که میزان تأثیر سازگاری اجتماعی بر سازگاری پس از طلاق ۴۳ صدم گزارش شده، بنابراین سازگاری پس از طلاق بیشتری را کسب

انحلال رسمی رابطه زناشویی، شرکت در کلاس‌های ارتقاء کیفیت زندگی پس از طلاق، در برنامه‌های بهزیستی و مراکز تحکیم خانواده قرار گیرد.

### نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه به عواملی چند از جمله سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیت، حمایت اجتماعی ادراک شده، سازگاری اجتماعی و تنظیم شناختی فرد در زمان تجربه پس از طلاق بستگی دارد. به عبارتی می‌توان گفت: مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی و روانشناختی به هم می‌پیوندند و با هم شبکه‌ای پیچیده را تشکیل می‌دهند که فرد با استناد به آن سازه‌ها به احساس رضامندی از زندگی و تعامل مناسب با دیگران دست می‌یابد که همان سازگاری پس از طلاق است. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که یافته‌های حاصل در این پژوهش موافق و تأییدی بر مدل نظری یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا، به عنوان پشتوانه نظری مدل پژوهش حاضر است. نظریه یادگیری اجتماعی بیانگر این است که رفتار، عوامل درون فردی و اثرات محیطی، هر یک به عنوان تعیین کننده متقابل یکدیگر عمل می‌کنند که آلبرت بندورا از آن تحت عنوان تعامل سه گانه یا تعیین کنندگی متقابل یاد می‌کند. در این مدل عوامل اجتماعی (حمایت اجتماعی ادراک شده و سازگاری اجتماعی) و عوامل روانشناختی (سبک دلبستگی، ویژگی‌های شخصیتی و تنظیم شناختی هیجان) بر سازگاری طلاق پس از طلاق به طور متقابل این عوامل بر هم اثر می‌گذارند. نتایج این پژوهش می‌تواند برای

می‌کنند، لذا تنظیم شناختی هیجان یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌های سازگاری پس از طلاق می‌باشد. تنظیم هیجان سازگاران با سازگاری و تعاملات مثبت مرتبط است و موجب افزایش فراوانی تجربه هیجان مثبت و مقابله مؤثر با موقعیت‌های استرس‌زا می‌شود. فرآیند سازگاری پس از طلاق هم مستلزم آشتی و صلح در درون خویش است، بنابراین به کارگیری سبک‌های کارآمد و مثبت به سازگاری پس از طلاق منتهی می‌شود.

از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان از انجام صرف آن بر روی زنان مطلقه شهر شیراز نام برد، بهتر است در تعمیم نتایج آن، جانب احتیاط در نظر گرفته شود. همچنین در این پژوهش به علت کثرت تعداد متغیرها امکان بررسی برخی متغیرهای بافتی تأثیرگذار مانند؛ طبقه اقتصادی، اجتماعی و حضور فرزند اشاره کرد. لذا پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی نقش دیگر متغیرها، نظیر؛ قدرت حل مسئله، سرشت و منش، مهارت‌های زندگی و اختلالات شخصیت در میزان سازگاری پس از طلاق در زنان و مردان بررسی شود. همچنین بررسی مشابهی بر روی زنان مطلقه در دامنه سنی گسترده‌تر در حجم نمونه بزرگ‌تر اجرا شود. سازمان‌های مسئول چون سازمان بهزیستی و مجتمع‌های قضایی خانواده امکاناتی فراهم آورند که زنان مطلقه از طریق دوره‌های مناسب تحت آموزش مهارت‌های مقابله‌ای قرار گیرند تا بتوانند با زندگی پس از طلاق سازگار شوند و دچار ناهنجاری‌های اجتماعی نگردند و از دیگر پیشنهادها این که به عنوان بخشی از فرآیند

کلینیک‌های مشاوره، روانشناسی و دیگر نهادهایی که مسئولیت سلامت جامعه را بر عهده دارند، مورد مطالعه و متمر ثمر واقع شود.

### تقدیر و تشکر

این مقاله قسمتی از پایان نامه دکتری روان‌شناسی تخصصی دانشگاه آزاد مرودشت با کد اخلاق IR.IAU.M.REC.1400.026 می‌باشد. نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از همکاری اداره بهزیستی، مراکز تحکیم خانواده و کلینیک‌های مرتبط با این مراکز صمیمانه سپاس‌گزاری کنند. قابل ذکر است که در این پژوهش هیچ‌گونه حمایت مالی از سوی نهاد و یا مرکزی انجام نشده است.

## REFERENCES

1. Malgaroli M, Galatzer-Levy IR, Bonanno GA. Heterogeneity in trajectories of depression in response to divorce is associated with differential risk for mortality. *Clinical Psychological Science* 2017; 5(5): 843-50.
2. Multafat H, Mohebbi M, Shahpari D, Hashemi F. Study of the dynamics of divorce in Iran in the period 2005-2015. *Family Research* 2020; 16(4): 547-568.
3. Bouchard G, Saint-Aubin J. Attention deficits and divorce. *Can J Psychiatry* 2014; 59(9): 480-6.
4. Rogers M. Women and separation: managing new horizons. *Relationships Australia Victoria*; 2017.
5. Khojasteh-Mehr R, Afshari F, Rajabi GH. Effectiveness of forgiveness training and post-divorce adjustment of women. *Journal of Women's Psychological Social Studies* 2012; 10(1): 37-60.
6. Grinstein-Weiss M, Manturuk KR, Guo S, Charles P, Key C. The impact of homeownership on marriage and divorce: evidence from propensity score matching. *Social Work Research* 2014; 38(2): 73-90.
7. Mulder CH. Family dynamics and housing: Conceptual issues and empirical findings. *Demographic Research* 2013; 29: 355-78.
8. Lee D, McLanahan S. Family structure transitions and child development: Instability, selection, and population heterogeneity. *American Sociological Review* 2015; 80(4): 738-63.
9. Waller MR, Peters HE. The risk of divorce as a barrier to marriage among parents of young children. *Social Science Research* 2008; 37(4): 1188-99.
10. Hald GM, Ciprić A, Sander S, Strizzi JM. Anxiety, depression and associated factors among recently divorced individuals. *Journal of Mental Health* 2022; 31(4): 462-70.
11. Tamborini CR, Couch KA, Reznik GL. Long-term impact of divorce on women's earnings across multiple divorce windows: A life course perspective. *Advances in Life Course Research* 2015; 26: 44-59.
12. Schaan VK, Schulz A, Schächinger H, Vögele C. Parental divorce is associated with an increased risk to develop mental disorders in women. *Journal of Affective Disorders* 2019; 257: 91-9.
13. Leopold T. Gender differences in the consequences of divorce: A study of multiple outcomes. *Demography* 2018; 55(3), 769-97.
14. Qamar AH, Faizan HF. Reasons, Impact, and post-divorce adjustment: lived experience of divorced women in Pakistan. *Journal of Divorce & Remarriage* 2021; 62(5): 349-73.
15. Cummings DJ, Loxton NJ, Poropat AE. The relevance/significance of stimuli appraisals for personality traits in an academic context. *Learning and Individual Differences* 2019; 69: 225-31.
16. Al-Bahrani MA. Post-divorce experience within Arab context: gender differences. *International Journal of Social Science and Humanity* 2021; 11(3): 54-8.
17. Murray D. The impact of divorce on work performance of professional nurses in the tertiary hospitals of the Buffalo City Municipality. University of Fort Hare, 2012.
18. Ki EJ, Jang J. Social support and mental health: An analysis of online support forums for Asian immigrant women. *Journal of Asian Pacific Communication* 2018; 28(2): 226-50.
19. Lee MY, Wang HS, Chen CJ. Development and validation of the social adjustment scale for adolescents with Tourette syndrome in Taiwan. *Journal of Pediatric Nursing* 2020; 51: e13-20.
20. Jafari NA, Zare H, Hosseini HA, Poursalehi NM, Zeini M. A comparative study of mental health, adjustment, and cognitive emotion regulation among married women and divorcees in Yazd city. *Woman and Society* 2015; 22(6): 1-6.
21. McCrae RR, Costa Jr PT. A contemplated revision of the NEO Five-Factor Inventory. *Personality and Individual Differences* 2004; 36(3): 587-96.
22. Balali T, Etemadi O. Investigating the relationship between psychological and demographic factors predicting post-divorce adjustment in divorced women in Isfahan. *Journal of Counseling and Psychotherapy Culture* 2011; 2(5): 29-53.
23. Ardenghi S, Rampoldi G, Bani M, Strepparava MG. Attachment styles as predictors of self-reported empathy in medical students during pre-clinical years. *Patient Education and Counseling* 2020; 103(5): 965-70.
24. Takano T, Mogi K. Adult attachment style and lateral preferences in physical proximity. *Biosystems* 2019; 181: 88-94.
25. Garofalo C, Velotti P, Zavattini GC, Kosson DS. Emotion dysregulation and interpersonal problems: the role of defensiveness. *Personality and Individual Differences* 2017; 119: 96-105.

26. Kazemi Rezaei SA, Mohammadi M, Tajik Ismaili AE, Pishgahi, B. The role of cognitive emotion regulation strategies and perceived social support in predicting the social adjustment of nursing students. *Journal of Psychiatry* 2019; 8(2): 76-85.
27. Garnefski N, Kraaij V. Specificity of relations between adolescents' cognitive emotion regulation strategies and symptoms of depression and anxiety. *Cognition and Emotion* 2018; 32(7): 1401-8.
28. Fisher B, Bierhaus J. Facilitator's manual for rebuilding when your relationship ends. Fisher Publishing Company; 1994.
29. Zimet GD, Powell SS, Farley GK, Werkman S, Berkoff KA. Psychometric characteristics of the multidimensional scale of perceived social support. *Journal of Personality Assessment* 1998; 55(5): 610-7.
30. Tamnaifar MR, Leith H, Nik Mansouri A. The relationship between perceived social support and self-efficacy in students. *Journal of Social Psychology* 2012; 8(28): 31-9.
31. Bruwer B, Emsley R, Kidd M, Lochner C, Seedat S. Psychometric properties of the multidimensional scale of perceived social support in youth. *Comprehensive Psychiatry* 2012; 49: 195-201.
32. Salimi A, Jokar B, Nikpour R. Internet communication in life: Investigating the role of perception of social support and loneliness in using the Internet. *Psychological Studies* 2009; 5(3): 81-102.
33. Alipour Birgani S, Sahaghi H, Jalodari A. Investigating the relationship between perceived social support and academic self-efficacy with social adjustment in Jundishapur students of Ahvaz. *Journal of Developmental Strategies in Medical Education* 2014; 2(1): 26-37.
34. Hazan C, Shaver P. Romantic love conceptualized as an attachment process. *J Pers Soc Psychol* 2000; 52(3): 511-24.
35. Basharat MA, Bezazian S. Examining the psychometric properties of the cognitive emotion regulation questionnaire in a sample of Iranian society. *Journal of the Faculty of Nursing and Midwifery, Shahid Beheshti University of Medical Sciences and Health Services* 2011; 24(84): 61-70.
36. Anisi M, Joshenu G. Investigating the validity and reliability of the short form of the five-factor NEO questionnaire in students. *Behavioral Sciences* 2011; 22; 18(5): 351-6.
37. Tavakoli M, Pasha Sharifi H. Comparison of personality traits and coping strategies in successful and unsuccessful female heads of families in terms of career. *Journal of Disability Studies* 2018; 9: 7-16.
38. Costa PT, McCrea RR. Cross-sectional studies of personality in a national sample: I. Development and validation of survey measures. *Psychology and Aging* 1992; 1(2): 140-3.
39. Grossi Farshi M, Mehryar AH, Ghazi Tabatabai M. The application of the new Neo personality test and the investigation and analysis of its characteristics and factor structure among Iranian university students. *Al-Zahra University Humanities Research Quarterly* 2008; 11(3): 173-98.
40. Garnefski N, Kraaij V, Spinhoven PH. Negative life events, cognitive emotion regulation and depression. *Personality and Individual Differences* 2002; 30: 1311- 27.
41. Basharat MA. Preliminary examination of the psychometric properties of the Cognitive Regulation of Emotion Questionnaire. *Tehran University Research Report* 2017; 13(50): 221-3.
42. Saadati N, Rostami M, Darbani SA. Comparing the effectiveness of acceptance and commitment therapy (ACT) and compassion focused therapy (CFT) on improving self-esteem and post-divorce adaptation in women. *Family Psychology* 2017; 3(2): 45-58.
43. Navabinejad S, Mohammadi R, Karami Y, Fallah E. Divorce means for divorced person perspective: A phenomenological qualitative study. *Journal of Woman and Society* 2017; 8(3): 93-115.
44. Bourassa KJ, Sbarra DA, Whisman MA. Women in very low quality marriages gain life satisfaction following divorce. *Journal of Family Psychology* 2015; 29(3): 490-9.
45. Vafaei L, Aa S, Mohammadzade Ebrahimi A. The effectiveness of "forgiveness-based group counseling" on post-divorce women's adjustment. *J Health Promotion Management* 2020; 9(2): 11-21.
46. Hu T, Xiao J, Peng J, Kuang X, He B. Relationship between resilience, social support as well as anxiety/depression of lung cancer patients: A cross-sectional observation study. *Journal of Cancer Research and Therapeutics* 2018; 14(1): 72.
47. Wilder S. EPredicting Adjustment to Divorce from Social Support and Relational Quality in Multiple Relationships. *Journal of Divorce & Remarriage* 2016; 57(8): 553-72.
48. Porter E, Chambless DL. Social anxiety and social support in romantic relationships. *Behavior Therapy* 2017; 48(3): 335-48.

49. Ki EJ, Jang J. *Social support and mental health*. Journal of Asian Pacific Communication 2018; 28(2): 226–50.
50. Tambag H, Turan Z, Tolun S, Can R. Perceived social support and depression levels of women in the postpartum period in Hatay, Turkey. *Niger J Clin Pract* 2018; 21(11):1525-30.
51. Benzi IM, Preti E, Di Pierro R, Clarkin JF, Madeddu F. Maladaptive personality traits and psychological distress in adolescence: The moderating role of personality functioning. *Personality and Individual Differences* 2019; 140: 33-40.
52. Mehrad Sadr B, Khosrorad R. Investigating the relationship between emotion regulation strategies and big five factors of personality. *Beyhagh* 2017; 22(2): 45-53.
53. Domaradzka E, Fajkowska M. Cognitive emotion regulation strategies in anxiety and depression understood as types of personality. *Frontiers in Psychology* 2018; 12(9): 856.
54. Dixon-Gordon KL, Conkey LC, Whalen DJ. Recent advances in understanding physical health problems in personality disorders. *Current Opinion in Psychology* 2018; 21(3): 1-5.
55. Lee SJ, Kim SR, Han SY, Lee YJ, Chae H. Is the cognitive emotion regulation strategy related to Yin-Yang personality traits?. *European Journal of Integrative Medicine* 2019; 26(1): 24-30.
56. Borges LM, Naugle AE. The role of emotion regulation in predicting personality dimensions. *Personality and Mental Health* 2017; 11(4): 314-34.
57. Mikulincer M, Shaver PR. *Attachment in adulthood: Structure, dynamics, and change*. Guilford Publications; 2010.
58. Read DL, Clark GI, Rock AJ, Coventry WL. Adult attachment and social anxiety: The mediating role of emotion regulation strategies. *PloS One* 2018;13(12): e0207514.
59. Akhundzadeh M, Atai Akbar M. Comparison of cognitive emotion regulation, attachment styles, and depression among suicidal and ordinary soldiers. *Chaharmahal and Bakhtiari Police Knowledge* 2018; 33: 84-65.
60. Strizzi JM, Koert E, Øverup CS, Ciprić A, Sander S, Lange T, Schmidt L, Hald GM. Examining gender effects in post divorce adjustment trajectories over the first year after divorce in Denmark. *Journal of Family Psychology* 2022; 36(2): 268.
61. Edelweis A, Hermaleni T. Perbedaan post-divorce adjustment ditinjau dari strategi coping pada wanita bercerai. *Jurnal Riset Psikologi* 2019; 3.
62. Tavakoli Pol A, Mehla. Studying the relationship between attachment styles and coping styles with adaptation styles in socially active divorced and widowed women in Gorgan city. *Journal of Research in Psychology and Education* 2020; 4(6): 1-10.
63. Barone L, Lionetti F, Green J. A matter of attachment? How adoptive parents foster postinstitutionalized children's social and emotional adjustment. *Attachment & human development* 2017; 19(4): 323-39.
64. Niven K. The four key characteristics of interpersonal emotion regulation. *Current Opinion in Psychology* 2017; 17: 89-93.
65. Farsijani N, Besharat MA, Moghadamzadeh A. Predicting social adjustment based on attachment styles and cognitive emotion regulation strategies in adolescents. *Journal of Psychological Science* 2022; 10; 21(109): 71-88.
66. Blum CA, Christine EL. Concerns of the divorced woman and impact on Health. *Journal of Family Medicine Forecast* 2018; 1(1): 1005.
67. Mikulincer M, Shaver PR. Adult attachment and compassion: Normative and individual difference components. *The Oxford Handbook of Compassion Science* 2017: 26: 120-33.
68. Purwadi P, Alhadi S, Supriyanto A, Saputra WN, Muyana S, Wahyudi A. Aggression among adolescents: The role of emotion regulation. *HUMANITAS: Indonesian Psychological Journal* 2020; 17(2): 132.



# Development of A Causal Model of Post-Divorce Adjustment Based on Social and Psychological Factors in Divorced Women in Shiraz, Iran

Mohandes L, Javidi H\*, Barzegar M, Sohrabi N

Department of Psychology, Islamic Azad University, Marvdasht Branch, Iran

Received: 02 Nov 2020 Accepted: 17 Oct 2022

## Abstract:

**Background & aim:** Divorce brings emotional separation and psychological pressures for most women, which requires the most changes for re-adaptation in these people. Therefore, the purpose of the present research was to determine and develop a structural model of adjustment after divorce based on social and psychological factors in divorced women in Shiraz.

**Methods:** The present descriptive correlational study was conducted in Shiraz city in 2018. The statistical population of the study included all divorced women who were divorced for at least two years and were not remarried. 416 samples were selected through available sampling from fifteen psychological clinics under the supervision of welfare and family courts. Moreover, they were evaluated through Fisher's post-divorce adjustment questionnaires, Multidimensional Perceived Social Support Questionnaire, Bell's Social Adjustment Questionnaire, Adult Attachment Style Questionnaire, Neo Short Form Five-Factor Personality Questionnaire, and Emotion Cognitive Regulation Strategies Questionnaire. The collected data were analyzed using Pearson's correlation, multiple regression and Fisher's statistical tests.

**Results:** The results indicated that the variables of perceived support, attachment styles and personality traits through the variables of cognitive regulation of emotion and social adjustment had a significant effect on adjustment after divorce ( $p < .05$ ). Unreconciled emotion regulation had a negative and significant effect on post-divorce adjustment ( $p < .05$ ). The adjusted emotion regulation variable had a positive and significant effect on post-divorce adjustment directly and indirectly through social adjustment ( $p < .05$ ). Finally, the social adjustment variable had a positive and significant effect on post-divorce adjustment ( $p < .05$ ). Social adjustment was the strongest predictor of adjustment after divorce (0.63) than personality traits (0.59). Secure attachment style had the greatest effect on post-divorce adjustment through compromised emotion regulation (0.26). Furthermore, the personality trait of neuroticism had the greatest impact on post-divorce adjustment through compromised emotion regulation (0.52). Friends' support through social adjustment had the greatest effect on post-divorce adjustment (0.43). Planning strategy through social adjustment had the greatest impact on post-divorce adjustment (0.34). The mentioned variables explain a total of 65% of the variance of adjustment after divorce.

**Conclusion:** The structural model revealed that some social and psychological factors were able to predict adjustment after divorce, and the results of the present study can be studied and be useful for counseling clinics, psychology and other institutions that are responsible for the health of society.

**Keywords:** Post-divorce adjustment, Personality traits, Attachment style, Perceived support, Social adjustment, Cognitive emotion regulation, Women of Shiraz.

\*Corresponding author: Javidi H, Department of Psychology, Islamic Azad University, Marvdasht Branch, Iran.

Email: Javid952@hotmail.com

Please cite this article as follows: Shams E, AllahDadian M, Yadegari Baharanchi Z, Harfsheno M. Development of a Causal Model of Post-Divorce Adjustment Based on Social and Psychological Factors in Divorced Women in Shiraz, Iran. Armaghane-danesh 2022; 28(1): 87-111.